

فصلنامه رویکردهای پژوهشی نو در علوم مدیریت
Journal of New Research Approaches in Management Science
سال دوم. شماره چهاردهم. پاییز ۱۳۹۸، صص ۱۳۳-۱۱۷ Vol 2. No 14. 2019, p 117-133
شماره شاپا (۲۵۸۸-۵۵۶۱) ISSN: (2588-5561)

تأثیر قدرت مدیر بر انتخاب حسابرِس: رویکرد فرصت طلبانه به قدرت

علی رضا معطوفی^۱. علی اشرف احمدیان^۲

۱. عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان. ایران*

۲. دکترای مدیریت بازرگانی، مدرس دانشگاه

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی اثر قدرت مدیریت بر انتخاب حسابرِس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد. در این پژوهش از قدرت مدیریت به‌عنوان متغیر مستقل و از انتخاب حسابرِس به‌عنوان متغیر وابسته استفاده شده است. پژوهش حاضر در بازه زمانی سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ بر روی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است. همچنین از مدل رگرسیون لجستیک و تحلیل رگرسیونی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها بهره گرفته شد. نتایج پژوهش نشان می‌دهد، رابطه منفی و معنادار بین قدرت مدیریت و انتخاب حسابرِس وجود دارد.

واژه‌های کلیدی: قدرت مدیر، انتخاب حسابرِس، بورس اوراق بهادار تهران.

طبقه‌بندی موضوعی: G01، G33

مقدمه

مطالعات در رابطه با قدرت مدیر نشان می‌دهند، قدرت مدیر با توجه به سطح مدیر در سلسله‌مراتب سازمانی، می‌تواند بر تصمیمات بنگاه موثر باشد (لیو و همکاران؛ ۲۰۱۵). المامون و همکاران^۲ (۲۰۱۷) معتقدند، قدرت مدیر اثر منفی بر سودآوری و ثروت سهامداران دارد. افزایش قدرت مدیران، اختیار کافی را برای آن‌ها جهت پیگیری منافع‌شان برخلاف هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران فراهم می‌آورد (دروچ و همکاران؛ ۲۰۱۶؛ دلی و جانسون؛ ۱۹۹۷). مدیران دارای قدرت تاثیرگذاری بر تصمیمات هیئت‌مدیره پاداش‌های بیشتری دریافت می‌کنند (اگروال؛ ۲۰۰۸؛ گرینستین و هریبار؛ ۲۰۰۴). مورس و همکاران^۳ (۲۰۱۱) دریافتند، مدیران قوی، هیئت‌مدیره را وادار می‌کنند تا به منظور دریافت پاداش‌های بیشتر، عملکرد بهتری را گزارش نمایند.

فریدمن^۴ (۲۰۱۴، ۲۰۱۶) بیان می‌کند، مدیریت سود در انزو اتفاق نمی‌افتد. مدیران قدرتمند به طور بالقوه می‌توانند هیئت‌مدیره را مجبور به ارائه معیارهای عملکردی جانبدارانه به منظور دریافت مزایا و پاداش اضافه نمایند. مدیران ارشد قوی که مشوق‌هایی در قالب سهام دریافت می‌کنند، به طور معنادار بر مدیران مالی فشار وارد می‌آورند تا با دستکاری حساب‌ها، برای سهام بنگاه در بورس اوراق بهادار جذابیت ایجاد نمایند (فنگ و همکاران؛ ۲۰۱۱). مدیران قدرتمند احتمال تقلب را افزایش داده و امکان ردیابی آن را کاهش می‌دهند (خانا و همکاران؛ ۲۰۱۵).

ادبیات پژوهش نشان می‌دهد، مدیران به طور متوسط در انتشار اخبار بد به سرمایه‌گذاران تاخیر دارند (باو و همکاران؛ ۲۰۱۸؛ کاتاری و همکاران؛ ۲۰۰۹). لذا قدرت بیشتر مدیر، امکان تاخیر در انتشار اخبار بد را افزایش می‌دهد. اگرچه امکان مخفی نمودن اخبار بد برای همیشه توسط مدیران غیرممکن به نظر می‌رسد، لذا زمانی که مجبور به انتشار انبوهی از اخبار بد می‌شوند، باعث کاهش معنادار قیمت سهام می‌شوند (هاتن و همکاران؛ ۲۰۰۹؛ جین و میرز؛ ۲۰۰۶).

قدرت زیاد مدیر ضمن افزایش مسئله نمایندگی، می‌تواند موجب بیش‌اعتمادی مدیریت و اتخاذ تصمیمات ریسکی شود (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). با توجه به موارد فوق می‌توان ادعا کرد، قدرت در دست مدیران به

-
- 1- Liu et al.
 - 2- Al Mamun et al.
 - 3- Derouiche et al.
 - 4- Daily and Johnson
 - 5- Aggarwal
 - 6- Grinstein and Hribar
 - 7- Morse et al.
 - 8- Friedman
 - 9- Feng et al.
 - 10- Khanna et al.
 - 11- Bao et al.
 - 12- Kothari et al.
 - 13- Hutton et al.
 - 14- Jin and Myers

آن‌ها ابزار و توجیه لازم را جهت انحراف و هدایت منابع بنگاه به سمت منافع شخصی‌شان فراهم می‌آورد (المامون و همکاران، ۲۰۱۷). لذا بنگاه‌های با مدیران قدرتمند به منظور تحریف اطلاعات حسابداری در رابطه با عملکرد ضعیف خود و اجتناب از ارائه صورت‌های مالی شفاف، ممکن است نسبت به استفاده از حسابرسان با کیفیت بی‌میل باشند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵).

علی‌رغم آن‌که پژوهش‌های متعددی در حوزه عوامل موثر بر تصمیمات بنگاه انجام شده‌است، ولی به نظر می‌رسد با فقدان مطالعات کاربردی در خصوص بررسی تأثیر قدرت مدیریت بر تصمیمات و رفتار بنگاه به طور عام و بررسی تأثیر قدرت مدیریت بر انتخاب حسابرسان به‌طور خاص مواجه می‌باشیم. بر این اساس پژوهش حاضر در نظر دارد به بررسی رابطه بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد. یافته‌های پژوهش حاضر ضمن پر کردن شکاف موجود در ادبیات پژوهش کشور، ابزار مناسبی را در اختیار سایر پژوهشگران و تصمیم‌گیران بازار سرمایه قرار خواهد داد.

مبانی نظری پژوهش

قدرت، به‌عنوان یکی از ابزارهای اساسی و عملی هر سازمان، محور درک رفتار سازمانی و فردی می‌باشد. قدرت، توان بالقوه‌ای است که هر فرد دارا است تا به‌وسیله آن بر فرد یا افراد دیگر و همچنین توان تصمیم‌گیری آن‌ها اثرگذار باشد، به‌گونه‌ای که افراد مجبور می‌شوند کاری را انجام دهند که صاحب قدرت می‌خواهد. قدرت مدیر، به‌عنوان توانایی یا توان بالقوه یک مدیر برای تغییر رفتار، تمایلات، نگرش‌ها، عقاید و عواطف یا ارزش‌های کارکنان تعریف می‌شود (المامون و همکاران، ۲۰۱۷). لیو و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند، قدرت به‌عنوان توانایی فرد برای تحمیل خواسته‌هایش به دیگران می‌باشد. مطابق با ادبیات پژوهش، قدرت در اختیار مدیران یکی از عواملی است که می‌تواند منجر به کاهش قیمت سهام (المامون و همکاران، ۲۰۱۷) و ارزش بنگاه (بیچاک و همکاران، ۲۰۱۱) شود. مدیران تمایل زیادی به مخفی نگهداشتن اخبار بد از سرمایه‌گذاران دارند (بال، ۲۰۰۹؛ گراهام و همکاران، ۲۰۰۵؛ کاتاری و همکاران، ۲۰۰۹). میزان اطلاعات منفی که مدیران می‌توانند انباشت و پنهان کنند، در شرکت‌های مختلف متفاوت است. علاوه بر این، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران برای انباشت و افشاء نکردن اخبار منفی، به هزینه‌ها و منافع آن بستگی دارد (کاتاری و همکاران، ۲۰۰۹).

موقعیت مدیران در پنهان کردن اخبار بد منوط به قدرت آن‌ها در تأثیرگذاری بر تصمیمات می‌باشد. قدرت مدیران، موجب تحریک آن‌ها به استفاده از منابع بنگاه در راستای منافع شخصی‌شان شده و با درگیر کردن شرکت به دستکاری در حساب‌ها، موجب تأثیر منفی بر ارزش شرکت می‌شود (گرینستین و هریبار، ۲۰۰۴؛

- 1- Bebhuk et al.
- 2- Ball
- 3- Graham et al.

فنگ و همکاران، ۲۰۱۱؛ مورس و همکاران، ۲۰۱۱؛ فریدمن، ۲۰۱۴؛ کولز و همکاران؛ ۲۰۱۴؛ خانا و همکاران، ۲۰۱۵؛ المامون و همکاران، ۲۰۱۷).

زمانی که اخبار بد جمع شده، به مرحله غافلگیرکننده‌ای می‌رسند، مدیران تسلیم شده و به انتشار آن می‌پردازند و این منجر به کاهش قیمت سهام می‌شود (چین و میرز، ۲۰۰۶؛ هاتن و همکاران، ۲۰۰۹). به بیان دیگر، مدیران سعی می‌کنند تا تصویر مطلوبی از واحد تجاری ارائه نمایند و لذا تمایل دارند تا افشای اخبار بد را به تأخیر انداخته و این اطلاعات را در داخل شرکت انباشته کنند. در صورت نگهداری و عدم افشای اخبار بد برای یک مدت طولانی، بین ارزش ذاتی و ارزش بازار سهام، یک شکاف یا حباب قیمتی ایجاد می‌شود. هنگامی که توده اخبار منفی انباشت شده به نقطه اوج می‌رسد، به یکباره وارد بازار شده و به ترکیدن حباب قیمتی و سقوط قیمت سهام می‌انجامد (چین و میرز، ۲۰۰۶).

همچنین، هاتن و همکاران (۲۰۰۹) و کیم و همکاران^۱ (۲۰۱۱الف) معتقدند، مدیران با استفاده از مدیریت سود و اجتناب مالیاتی به انباشت اخبار بد مبادرت می‌نمایند، که به نوبه خود منجر به کاهش قیمت سهام می‌شود. دچیو و همکاران^۲ (۲۰۱۳) بیان می‌کنند، مدیریت سود با هدف تأثیر بر قیمت سهام اتفاق می‌افتد. چرا که فشارهای داخلی و خارجی برای دستیابی به سود مورد نظر و اجتناب از جبران خسارت و آینده شغلی مدیران انجام می‌گیرد. گراهام و همکاران (۲۰۰۵) با بررسی مدیران ارشد بنگاه‌های آمریکایی نشان دادند، مدیران مایل به قربانی کردن ارزش اقتصادی به منظور مدیریت ادراک سرمایه‌گذاران از گزارشگری مالی می‌باشند.

پژوهش‌های مختلف نشان می‌دهند، تأثیر اجتناب مالیاتی (کیم و همکاران، ۲۰۱۱الف)، انگیزه‌های مدیران ارشد مالی (کیم و همکاران، ۲۰۱۱ب)، پرداخت به مدیران ارشد و اعتماد بیش از اندازه آن‌ها به خود (کیم و همکاران، ۲۰۱۶) بر ریسک آتی سقوط قیمت سهام در بنگاه‌های با مدیران ارشد قوی بیشتر از سایر بنگاه‌ها می‌باشد. مدیران ارشد قدرتمند پاداش‌های تشویقی را دستکاری کرده (مورس و همکاران، ۲۰۱۱) و قدرت آن‌ها منجر به بیش اعتمادی در تصمیم‌گیری می‌شود (موریسون و همکاران؛ ۲۰۱۱؛ فست و همکاران؛ ۲۰۱۲). مدیران قدرتمند از طریق عقد قراردادهای صوری و تقلبی (مورس و همکاران، ۲۰۱۱)، تبلیغات زیاد در بازار جهت جلب توجه سرمایه‌گذاران (لی و همکاران؛ ۲۰۱۸) و احتمال انجام تقلب (خانا و همکاران، ۲۰۱۵) منجر به عملکرد منفی قیمت سهام می‌شوند. فراکاسی و تیت^۷ (۲۰۱۲) بیان می‌کنند، مدیران قوی، شدت و میزان نظارت داخلی را توسط هیئت‌مدیره و به وسیله انتصاب مدیرانی که با مدیران ارشد ارتباط نزدیکی دارند، کاهش می‌دهند. لذا زمانی که مدیران ارشد قدرت زیادی برای تأثیرگذاری بر

- 1- Coles et al.
- 2- Kim et al.
- 3- Dichev et al.
- 4- Morrison et al.
- 5- Fast et al.
- 6- Li et al.
- 7- Fracassi and Tate

فرایند تصمیم‌گیری دارند، نوسان زیادی در عملکرد بنگاه وجود خواهد داشت (گالما و همکاران؛ ۲۰۱۲؛ آدامز و همکاران؛ ۲۰۰۵). لذا ساز و کارهای نظارتی خارجی قوی، توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران جهت نگهداری و عدم افشای اخبار منفی را محدود می‌کند (اندرو و همکاران؛ ۲۰۱۷).

لیو و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند، ذینفعان بنگاه (مثل طلبکاران) تلاش می‌کنند در عقد قراردادها قدرت مدیر را کاهش دهند. به‌طور ویژه، بانک‌ها از شرکت‌های دارای مدیران ارشد قدرتمند، هزینه بدهی بالاتری را طلب می‌کنند. بنگاه‌های با مدیران قدرتمند همچنین رتبه اعتباری کمتری را دریافت می‌کنند که این امر ناشی از برداشت ناخوشایند از قدرت مدیران آن‌ها می‌باشد.

آدامز و همکاران (۲۰۰۵) بیان می‌کنند، مدیران قدرتمند با احتمال کمتری قدرت خود را با سایر مدیران تقسیم می‌کنند. لذا وقوع اشتباه در تصمیم‌گیری آن‌ها محتمل می‌باشد. قدرت مدیر موجب ظهور مشکل نمایندگی شده و هزینه‌های اقتصادی بیشتری را بر بنگاه تحمیل می‌کند. مدیران قدرتمند با تحریف اطلاعات حسابداری در رابطه با عملکرد ضعیف خود، مانع از ارائه صورت‌های مالی شفاف می‌شوند. لذا بنگاه‌های با مدیران قدرتمند ممکن است نسبت به استفاده از حسابرسان با کیفیت بی‌میل باشند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). درحالی‌که ذینفعان بنگاه می‌خواهند با استخدام حسابرسان با کیفیت به گزارشگری مالی با کیفیت دست پیدا کنند (فن و وانگ؛ ۲۰۰۵). لذا استخدام حسابرسان با کیفیت ضمن کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و هزینه‌های تامین مالی، سوءاستفاده مدیر از قدرت را در تصمیمات بنگاه محدود می‌کند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵).

پیشینه پژوهش

المامون و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان مدیران قدرتمند و ریسک سقوط قیمت سهام به این نتیجه رسیدند، در شرکت‌های با مدیران قدرتمند، احتمال ریسک سقوط قیمت سهام بیشتر می‌باشد. همچنین، نتایج پژوهش آن نشان داد، تأثیر مدیریت سود واقعی، اجتناب مالیاتی و بیش‌اعتمادی مدیرعامل می‌تواند باعث برجسته‌تر شدن رابطه بین قدرت مدیرعامل و ریسک سقوط قیمت سهام شود.

کورناگیا و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان توانایی مدیریتی و رتبه اعتباری شرکت با بررسی اینکه چگونه تحلیلگران در تعیین رتبه اعتباری شرکت توانایی مدیریتی را به‌عنوان یک عامل ریسک اعتباری در نظر می‌گیرند، نشان دادند، مدیران توان‌تر رتبه اعتباری بالاتری برای شرکت ایجاد می‌کنند که نهایتاً منجر به افزایش ارزش شرکت می‌شود.

- 1- Galema et al.
- 2- Adams et al.
- 3- Andreou et al.
- 4- Fan and Wong
- 5- Cornaggia et al.

حبیب و حسن^۱ (۲۰۱۷) در پژوهشی با بررسی تاثیر توانایی مدیران بر کارایی سرمایه‌گذاری‌ها و ریسک سقوط قیمت سهام نشان دادند، توانایی مدیر با کارایی سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها رابطه معناداری دارد. همچنین نتایج حاکی از وجود رابطه بین توانایی مدیران با ریسک سقوط قیمت سهام می‌باشد. آلدنمن^۲ (۲۰۱۷) در پژوهشی با عنوان آیا جنسیت حسابرسان بر مسئولیت حسابرسان تأثیرگذار است؟ به بررسی ریسک مسئولیت در رابطه با تضاد منافع شخصی و مالی حسابرسان و پتانسیل اختلاف در انجام مسئولیت بر اساس جنسیت حسابرسان پرداختند. نتایج پژوهش نشان داد، حسابرسان زن در مواجهه با تضاد منافع شخصی نسبت به حسابرسان مرد، از استقلال کمتر و سهل‌انگاری بیشتر برخوردار هستند. حسابرسان مرد در مواجهه با تضاد منافع مالی نسبت به حسابرسان زن، از استقلال کمتر و سهل‌انگاری بیشتر برخوردار هستند. حسابرسان صرف‌نظر از جنسیت، در مواجهه با تضاد منافع شخصی نسبت به تضاد منافع مالی، از استقلال کمتر و سهل‌انگاری بیشتر برخوردار هستند.

القول و همکاران^۳ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان انتخاب حسابرسان و سررسید بدهی شرکت نشان دادند، با حضور مؤسسات حسابرسان بزرگ، بدهی‌های بلندمدت در ساختار سرمایه شرکت‌ها افزایش می‌یابد. آن‌ها نتیجه گرفتند، مؤسسات حسابرسان با کیفیت بالاتر جایگزینی برای بدهی کوتاه‌مدت جهت اهداف نظارتی می‌باشند.

لیو و همکاران (۲۰۱۵) در پژوهشی با عنوان قدرت مدیرعامل و انتخاب حسابرسان نشان دادند، مدیران قدرتمند به احتمال زیاد حسابرسان با کیفیت بالا را جهت نشان دادن کیفیت بالای گزارشگری مالی به کار می‌گیرند.

آندرو و همکاران (۲۰۱۳) در پژوهشی با عنوان بررسی رابطه بین توانایی مدیریت و عملکرد شرکت در طول بحران مالی سال ۲۰۰۸ نشان دادند، توانایی مدیریت با عملکرد شرکت رابطه مستقیم دارد. بادآورندهی و حشمت (۱۳۹۷) در پژوهش با عنوان اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران نشان دادند، توانایی مدیریتی با ارزش ایجاد شده برای سهامداران ارتباط مثبت دارد و سازوکارهای حاکمیت شرکتی نیز این ارتباط مثبت را تشدید می‌کند. به عبارت دیگر در شرکت‌های با رتبه حاکمیت شرکتی بالاتر، توانایی مدیریتی بیشتر در جهت افزایش ارزش سهامداران متمرکز می‌شود.

یاری و فتحی‌ارطه (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان تأثیر قدرت تصمیم‌گیری مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران نشان دادند، بین درصد تملک سهام مدیرعامل، تنها عضو موظف بودن مدیرعامل و دوگانگی وظیفه مدیرعامل با عملکرد مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران رابطه معناداری وجود دارد.

1- Habib and Hasan
2- Alderman
3- El Ghoul et al.

صالحی و همکاران (۱۳۹۵ الف) در پژوهشی با عنوان تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگی‌های آن بر تأخیر گزارش حسابرسی به بررسی ۵۴ شرکت در بازه زمانی قبل و بعد از تصویب دستورالعمل کنترل‌های داخلی، طی سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۳ پرداختند. نتایج پژوهش این نشان داد، رابطه معنادار بین وجود کمیته حسابرسی و تأخیر گزارش حسابرسی وجود ندارد.

صالحی و همکاران (۱۳۹۵ ب) در پژوهشی با بررسی رابطه بین توانایی مدیران و پاداش نشان دادند، بین پاداش و توانایی مدیریت به دلیل ناکارا بودن بازار بورس در ایران رابطه‌ای وجود ندارد و به جای این که پاداش عوامل بنیادی داشته باشد بیشتر تحت تأثیر عوامل سیاسی و روانی است.

بزرگ اصل و صالح‌زاده (۱۳۹۴) در پژوهشی با عنوان رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود (به تفکیک اجزای تعهدی و جریان‌های نقدی) نشان دادند، بین توانایی مدیریت با پایداری سود و توانایی مدیریت با پایداری اجزای تعهدی و نقدی سود رابطه مثبت وجود دارد. ولی رابطه بین توانایی مدیریت و پایداری بخش تعهدی نسبت به بخش نقدی قوی تر است.

وکیلی فرد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش به بررسی رابطه کیفیت سود و انتخاب حسابرس در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد، کوچکی و بزرگی موسسه‌های حسابرسی می‌تواند بر میزان کیفیت سود شرکت‌ها تأثیرگذار باشد.

بنی‌مهد (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس نشان دادند، اندازه صاحبکار، تغییر مدیریت و کیفیت اقلام تعهدی بر انتخاب موسسات بزرگ حسابرسی به عنوان حسابرس تأثیرگذار است. اما رابطه معنادار بین نسبت اهرمی، سودآوری و گزارش زیان توسط شرکت مورد رسیدگی با انتخاب موسسه بزرگ حسابرسی وجود ندارد.

روش‌شناسی و متغیرهای پژوهش

روش تحقیق

تحقیق حاضر از نظر توجه به زمان گذشته‌نگر، از لحاظ هدف کاربردی و با توجه به نوع، پس‌رویدادی می‌باشد. روش تحقیق حاضر از نوع توصیفی و همبستگی است و برای بررسی رابطه میان متغیر مستقل و وابسته از روش آماری رگرسیون چند متغیره استفاده می‌شود. همچنین تجزیه و تحلیل داده‌ها براساس روش مطالعه داده‌های ترکیبی می‌باشد.

جامعه آماری و روش نمونه‌گیری

شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران جامعه آماری تحقیق را تشکیل خواهند داد. لذا بنگاه به عنوان سطح تجزیه و تحلیل پژوهش حاضر می‌باشد. روش نمونه‌گیری، روش حذفی بوده است، بدین ترتیب که کلیه شرکت‌های عضو جامعه آماری که دارای شرایط زیر بوده جزء نمونه آماری لحاظ

شده و آن دسته از شرکت‌هایی که این شرایط را نداشته‌اند از نمونه آماری، حذف گردیده‌اند. دوره مورد مطالعه در این تحقیق از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ به مدت ۵ سال می‌باشد. شرایط برای انتخاب نمونه به شرح زیر می‌باشند:

۱. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۶ در بورس حضور داشته باشند؛ ۲. اطلاعات مورد نیاز شرکت، در دسترس باشد؛
 ۳. شرکت در طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی را تجربه نکرده باشد؛ ۴. شرکت‌های مورد نظر جزو بانک‌ها و واسطه‌گری مالی، شرکت‌های هلدینگ و لیزینگ نباشند؛ ۵. شرکت‌ها نباید در طی دوره تحقیق وقفه معاملاتی بیش از ۶ ماه داشته باشند؛ ۶. سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفند ماه باشد. با اعمال محدودیت‌های فوق، نمونه‌ای شامل ۶۳۰ شرکت - سال مربوط به ۱۲۶ شرکت انتخاب گردیده است.
- جهت محاسبه متغیرهای پژوهش داده‌های مورد نیاز از بانک‌های اطلاعاتی ره‌آورد نوین و تدبیرپرداز استخراج شده‌است. در صورت ناقص بودن داده‌های موجود در این بانک‌های اطلاعاتی، به سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار مراجعه گردید. همچنین به منظور انجام محاسبات و آماده نمودن داده‌ها و همچنین تجزیه و تحلیل آن‌ها، از نرم‌افزارهای Eviews و Excel استفاده شده است.

مدل‌ها و متغیرهای مورد استفاده برای آزمون فرضیه‌ها

برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل زیر استفاده خواهد شد (هو و کانگ، ۲۰۱۳):

مدل ۱

$$AUD_{it} = \beta_0 + \beta_1 POWER_{it} + \beta_2 SIZE_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 BM_{it} + \beta_5 ROE_{it} + \varepsilon_{it}$$

متغیر مستقل

در این پژوهش برای محاسبه قدرت مدیر (Power) به تبعیت از پژوهش والتی و همکاران (۲۰۱۱) از دوره تصدی مدیرعامل استفاده می‌شود. هرچه مدیرعامل تعداد سال‌های بیشتری در سمت مدیریت باشد، تأثیرگذاری او بر عملیات شرکت بیشتر بوده و با توجه به موقعیت راهبردی خود کنترل بیشتری بر تصمیمات حاکمیتی شرکت دارد. بنابراین، شاخصه قدرت مدیرعامل با اندازه‌گیری تعداد سال‌هایی که وی تصدی این سمت را به عهده دارد، به دست می‌آید.

متغیر وابسته

متغیر وابسته پژوهش حاضر، انتخاب حسابرس (Auditor) است. این متغیر مجازی است که با مقدار صفر و یک نشان داده می‌شود. مقدار یک برای شرکت‌هایی که سازمان حسابرسی (بزرگترین مؤسسه حسابرسی در ایران) را به‌عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب کرده‌اند و مقدار صفر برای شرکت‌هایی که سایر مؤسسات حسابرسی را به‌عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب نموده‌اند (نیکومرام و احمدزاده، ۱۳۹۲).

متغیر کنترلی

متغیرهای کنترل پژوهش حاضر عبارتند از (لیو و همکاران، ۲۰۱۵؛ هو و کانگ، ۲۰۱۳؛ گودفری و همیلتن، ۲۰۰۵؛ چانی و همکاران، ۲۰۰۴):

اندازه شرکت ($Size_{i,t}$): اندازه شرکت برابر با لگاریتم طبیعی ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t می‌باشد.

اهرم مالی ($LEV_{i,t}$): اهرم مالی برابر است با نسبت بدهی به دارایی‌های شرکت i در سال t .

نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام ($BM_{i,t}$): عبارت است از نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t .

بازده حقوق صاحبان سهام ($ROE_{i,t}$): بازده حقوق صاحبان سهام برابر است با نسبت سودخالص به مجموع حقوق صاحبان سهام شرکت i در سال t .

تجزیه و تحلیل داده‌ها

به‌منظور بررسی مشخصات عمومی متغیرها و تجزیه و تحلیل دقیق آن‌ها، آشنایی با آمار توصیفی مربوط به متغیرها لازم است. جدول ۱، آمار توصیفی داده‌های مربوط به متغیرهای مورد استفاده در تحقیق را نشان می‌دهد.

- 1- Ho and Kang
- 2- Godfrey and Hamilton
- 3- Chaney et al.

جدول ۱. آمار توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	میانگین	میانه	حداقل	حداکثر	انحراف معیار
Auditor _{i,t}	۰/۲۲۲	۰	.	۱	۰/۴۱۶
Power _{i,t}	۲/۰۳۸	۲	۱	۵	۱/۲۱۲
SIZE _{i,t}	۸/۹۷۴	۸/۹۱۰	۷/۴۰۰	۱۱/۱۹	۰/۶۸۲
LEV _{i,t}	۰/۶۱۷	۰/۶۰۷	۰/۱۱۰	۲/۲۲۴	۰/۲۳۷
BM _{i,t}	۰/۴۷۱	۰/۴۲۰	-۴/۶۳۰	۳/۳۵۰	۰/۴۷۳
ROE _{i,t}	۰/۲۱۸	۰/۲۴۷	-۳/۸۲۱	۲/۴۶۷	۰/۴۴۷

Auditor_{i,t}: انتخاب حسابرس شرکت **i** در سال **t**; Power_{i,t}: قدرت مدیرعامل شرکت **i** در سال **t**; SIZE_{i,t}: اندازه شرکت شرکت **i** در سال **t**; LEV_{i,t}: اهرم مالی شرکت **i** در سال **t**; BM_{i,t}: نسبت ارزش دفتری به ارزش بازار سهام شرکت **i** در سال **t**; ROE_{i,t}: بازده حقوق صاحبان سهام شرکت **i** در سال **t**.

مطابق با جدول ۱ میانگین متغیر انتخاب حسابرس برای شرکت‌های نمونه حدود ۰/۲۲ می‌باشد که نشان می‌دهد، ۲۲ درصد مشاهدات مورد بررسی، سازمان حسابرسی را به‌عنوان حسابرس مستقل خود انتخاب کرده‌اند. میانگین ۲/۰۳۸ برای متغیر قدرت مدیر نشان می‌دهد، به‌طور متوسط تعداد سال‌های حضور مدیرعامل در سمت مدیریت در مشاهدات مورد بررسی، حدود ۲ سال می‌باشد. همچنین میانگین متغیر بازده حقوق صاحبان سهام مشاهدات مورد بررسی ۰/۲۱۸ می‌باشد. انحراف معیار یکی از مهمترین پارامترهای پراکندگی است و معیاری برای پراکندگی مشاهدات از میانگین است. مقدار این پارامتر برای متغیرهای انتخاب حسابرس و قدرت مدیر به ترتیب ۰/۴۱۶ و ۱/۲۱۲ است. در این مرحله نیکویی برازش مدل را با استفاده از آزمون هاسمر و لمشو با توجه به جدول ۲ بررسی می‌شود.

جدول ۲. نیکویی برازش مدل با آزمون هاسمر و لمشو

آماره هاسمر و لمشو	P-value	نتیجه آزمون
۸/۵۷۳۹	۰/۴۹۶۲	مدل رگرسیون لجستیک برای داده‌ها مناسب می‌باشد.

با توجه به جدول ۲ مقدار سطح معناداری برابر ۰/۴ می‌باشد و چون این مقدار بیشتر از ۰/۰۵ است، لذا فرض H₀ تأیید و فرض H₁ رد می‌شود. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که مدل رگرسیون لجستیک برای داده‌ها مناسب می‌باشد.

آزمون فرضیه اول

فرضیه پژوهش بیان می‌کند، بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرسان رابطه معنادار وجود دارد. با توجه به نگاره ۳ (آماره R^2 مک‌فادن) می‌توان ادعا کرد، حدود ۲۶ درصد از تغییرات در متغیر وابسته توسط متغیرهای مستقل مدل توضیح داده می‌شود.

جدول ۳. نتایج آماری آزمون مدل پژوهش

متغیر	ضرایب	انحراف معیار	آماره t	سطح معناداری (sig)
عرض از مبدأ (α)	-۷/۵۲۴	۰/۸۹۶	-۸/۳۹۵	۰/۰۰۰
$Power_{i,t}$	-۰/۴۲۶	۰/۰۹۳	-۴/۵۵۵	۰/۰۰۰
$SIZE_{i,t}$	۰/۵۰۴	۰/۰۶۰	۸/۳۲۰	۰/۰۰۰
$LEV_{i,t}$	-۰/۵۱۶	۰/۹۴۷	-۰/۵۴۴	۰/۵۸۵
$BM_{i,t}$	-۰/۴۵۵	۰/۲۱۵	-۲/۱۱۳	۰/۰۳۴
$ROE_{i,t}$	-۰/۰۵۳	۰/۶۹۲	-۰/۰۷۷	۰/۹۳۸
ضریب تعیین مک‌فادن	۰/۲۵۸			
آماره نسبت درست‌نمایی	مقدار احتمال		مقدار آماره LR	
	۰/۰۰۰		۱۰۰/۴۹۸	

آماره LR شبیه آماره F در مدل رگرسیون خطی است. طبق نگاره فوق مقدار این آماره به میزان ۱۰۰/۴۹۸ و مقدار احتمال آن ۰/۰۰۰ می‌باشد، بنابراین چون میزان احتمال آماره LR از ۰/۰۵ کمتر است، لذا می‌توان گفت در سطح اطمینان ۰/۹۵ مدل رگرسیونی برازش شده معنادار است. همچنین ضریب برآوردی متغیر مستقل Power در نگاره ۳ نشان‌دهنده وجود رابطه منفی و معنادار بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرسان در سطح خطای ۰/۰۵ است. زیرا میزان P-value برای ضریب متغیر مستقل، کمتر از ۰/۰۵ به دست آمده است. بنابراین می‌توان گفت، قدرت مدیر بر انتخاب حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران اثر منفی و معنادار دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به اهمیت موضوع در پژوهش حاضر به بررسی تأثیر قدرت مدیر بر انتخاب حسابرسان در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداخته شد. برای این منظور بر مبنای ادبیات پژوهش یک فرضیه مطرح گردید. در فرضیه پژوهش به بررسی وجود رابطه معنادار بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرسان باکیفیت (بزرگ) پرداخته شد. یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد، رابطه منفی معنادار بین قدرت مدیر و انتخاب حسابرسان

با کیفیت (بزرگ) در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. یعنی با افزایش (کاهش) قدرت مدیر، انتخاب حسابرسان با کیفیت (بزرگ) کاهش (افزایش) پیدا می‌کند. این نتیجه با یافته‌های پژوهش لیو و همکاران (۲۰۱۵) سازگار می‌باشد.

قدرت، به عنوان توانایی یا توان بالقوه یک مدیر (المامون و همکاران، ۲۰۱۷)، امکان تحمیل خواسته‌هایش به دیگران را فراهم می‌آورد (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). مطابق با ادبیات پژوهش، قدرت مدیران برای آن‌ها امکان پنهان کردن اخبار بد را فراهم آورده و موجب تحریک آن‌ها به استفاده از منابع بنگاه در راستای منافع شخصی‌شان می‌شود (المامون و همکاران، ۲۰۱۷). به علاوه از آنجایی که مدیران سعی می‌کنند تا تصویر مطلوبی از واحد تجاری ارائه نمایند، تمایل دارند تا افشای اخبار بد را به تأخیر انداخته و این اطلاعات را در داخل شرکت انباشته کنند. اما نگهداری و عدم افشای اخبار بد برای یک مدت طولانی، بین ارزش ذاتی و ارزش بازار سهام، یک شکاف قیمتی ایجاد می‌کند. لذا هنگامی که توده اخبار منفی انباشت شده به نقطه اوج می‌رسد، به یکباره وارد بازار شده و به ترکیدن حباب قیمتی و سقوط قیمت سهام می‌انجامد (جین و مایرز، ۲۰۰۶).

مدیران ارشد قدرتمند برای دستیابی به سود مورد نظر و اجتناب از جبران خسارت و آینده شغلی خود (دچیو و همکاران، ۲۰۱۳) و مدیریت ادراک سرمایه‌گذاران از گزارشگری مالی، تلاش می‌کنند (گراهام و همکاران، ۲۰۰۵). همچنین با اقداماتی از قبیل دستکاری پاداش‌های تشویقی (مورس و همکاران، ۲۰۱۱)، عقد قراردادهای صوری و تقلبی (مورس و همکاران، ۲۰۱۱)، تبلیغات زیاد در بازار جهت جلب توجه سرمایه‌گذاران (لی و همکاران، ۲۰۱۸) و اقدام به تقلب (خانا و همکاران، ۲۰۱۵) منجر به عملکرد منفی قیمت سهام می‌شوند. حتی مدیران قوی تلاش می‌کنند، شدت و میزان نظارت داخلی هیئت‌مدیره را به وسیله انتصاب مدیرانی که با مدیران ارشد ارتباط نزدیکی دارند، کاهش دهند (فراکاسی و تیت، ۲۰۱۲).

با توجه به موارد فوق مدیران قدرتمند با تحریف اطلاعات حسابداری در رابطه با عملکرد ضعیف خود، مانع از ارائه صورت‌های مالی شفاف می‌شوند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). لذا ساز و کارهای نظارتی خارجی قوی که توانایی‌ها و فرصت‌های مدیران جهت نگهداری و عدم افشای اخبار منفی را محدود می‌کند (اندرو و همکاران، ۲۰۱۷) مطلوب مدیریت نخواهد بود. از این رو می‌توان انتظار داشت، بنگاه‌های با مدیران قدرتمند مایل به استفاده از حسابرسان با کیفیت نباشند (لیو و همکاران، ۲۰۱۵). در ادامه، با توجه به یافته‌های پژوهش پیشنهادت ذیل مطرح می‌شوند:

الف. به سرمایه‌گذاران و سهامداران پیشنهاد می‌شود، با مفهوم قدرت مدیریت آشنا شده و در تصمیم‌گیری‌ها به آن توجه داشته باشند. چرا که افزایش قدرت مدیران، اختیار کافی را برای آن‌ها جهت پیگیری منافع‌شان برخلاف هدف حداکثر کردن ثروت سهامداران فراهم می‌آورد.

ب. به سرمایه‌گذاران پیشنهاد می‌شود، به منظور تبیین رفتار قیمت سهام شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار تهران، به ساختار نظام راهبری شرکت از قبیل دوره تصدی هیئت‌مدیره، یکسان‌بودن رئیس هیئت‌مدیره و مدیرعامل و حضور اعضای غیرموظف در ترکیب هیأت‌مدیره شرکت توجه داشته باشند.

با توجه به نتایج پژوهش و سوابقی که طی انجام آن برای محققین مطرح شد، جهت تکمیل این پژوهش و انجام پژوهش‌های بیشتر در حوزه‌های مرتبط با این پژوهش پیشنهادهای ذیل ارائه می‌شود:
الف. در پژوهش حاضر به بررسی سهام موجود در بازار بدون توجه به صنعت آنها پرداخته شد، لذا به نظر می‌رسد بررسی موضوع بر اساس صنعت می‌تواند اطلاعات مفیدی در خصوص موضوع مورد بررسی فراهم آورد.

ب. در پژوهش حاضر متغیرهای پژوهش در یک بازه زمانی ۵ ساله و در یک نمونه ۱۲۶ شرکتی مورد بررسی قرار گرفتند. لذا بررسی موضوع در یک بازه زمانی طولانی‌تر و با نمونه بزرگ‌تر می‌تواند مفید باشد.

فهرست منابع و مآخذ

- بادآورندهی، یونس و حشمت، نسا. (۱۳۹۷). "اثر سازوکارهای حاکمیت شرکتی بر ارتباط بین توانایی مدیران و ایجاد ارزش برای سهامداران". حسابداری مدیریت، سال ۱۱، شماره ۳۸، صص ۹۳-۱۰۸.
- بزرگ اصل، موسی و صالحزاده، بیستون. (۱۳۹۴). "رابطه توانایی مدیریت و پایداری سود با تاکید بر اجزای تعهدی و جریانهای نقدی در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". دانش حسابرسی، سال ۱۴، شماره ۱۳، صص ۴۱۸-۴۱۰.
- بنی مهد، بهمن. (۱۳۹۱). "کیفیت اقلام تعهدی و انتخاب حسابرس". فصلنامه مطالعات تجربی حسابداری مالی، سال ۱۰، شماره ۳۷، صص ۹۸-۸۱.
- صالحی، مهدی و اورادی، جواد و سالاری فورگ، زینب. (۱۳۹۵ الف). "تأثیر وجود کمیته حسابرسی و ویژگیهای آن بر تأخیر گزارش حسابرسی". فصلنامه دانش حسابداری، سال ۷، شماره ۲۶، صص ۵۹-۸۳.
- صالحی، مهدی و باقرپور و لاشانی، محمدعلی و خداپرست مشهدی، مهدی و اکبری، فرزانه. (۱۳۹۵ ب). "بررسی تأثیر توانایی مدیران بر پاداش هیأت مدیره و ارزش شرکت در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". چهاردهمین همایش ملی حسابداری.
- نیکومرام، هاشم و احمدزاده، حمید. (۱۳۹۲). "بررسی رابطه بین کیفیت اطلاعات حسابداری و انتخاب نوع حسابرس در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه مطالعات کمی در مدیریت، سال ۴، شماره ۴، صص ۱۵۴-۱۳۵.
- وکیلی فرد، حمیدرضا و محمدی، سامان و کاظمی نوری، سپیده. (۱۳۹۳). "کیفیت سود و انتخاب حسابرس (مورد مطالعه: شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران)". فصلنامه حسابداری مالی، سال ۶، شماره ۲۲، صص ۱۵۱-۱۶۸.
- یاری، فرانک و فتحی ارطه، کیوان. (۱۳۹۵). "تأثیر قدرت تصمیم گیری مدیرعامل بر عملکرد مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران". فصلنامه مطالعات مدیریت و حسابداری، سال ۲، شماره ۳، صص ۳۰۰-۲۸۵.

___ Adams, R. B. , Almeida, H. , and Ferreira, D. (2005). "Powerful CEOs and their impact on corporate performance". *Review of Financial Studies*, 18 (4), 1403-1432.

___ Aggarwal. R. K. (2008). "Executive Compensation and Incentives". *Handbook of Empirical Corporate Finance*, 2, 497-538.

___ Alderman, J. (2017). "Does auditor gender influence auditor liability? Exploring the impact of the crime congruency effect on jurors' perceptions of auditor negligence". *Advances in Accounting*, 38, 75-87.

___ Al Mamun, M. D. , Balachandran, B. , and Duong, H. N. (2017). "Powerful CEOs and Stock Price Crash Risk". Available at [http://dx. doi. org/10.2139/ssrn.2797107](http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2797107).

- ___ Andreou, P. C. , Louca, C. , Panayides, P. M. , and Petrou, A. P. (2017). "CEO age and stock price crash risk". *Review of Finance*, 21 (3), 1287–1325.
- ___ Andreou, P. C. , Ehrlich, D. and Louca, C. (2013). "Managerial ability and firm performance: Evidence from the global financial crisis". Cyprus University of Technology, Department of Commerce, Finance and Shipping, and Visiting Research Fellows at Durham Business School.
- ___ Ball, R. (2009). "Market and Political/Regulatory Perspectives on the Recent Accounting Scandals". *Journal of Accounting Research*, 47, 277–323.
- ___ Bao, D. , Kim, Y. , Mian, G. M. , and Su, L. (2018). Do Managers Disclose or Withhold Bad News? Evidence from Short Interest. *The Accounting Review*, Available at <https://poseidon01.ssrn.com/delivery.php?ID=927103126008003094102027123090093011118033030042010043122092066030065115094090115010026005017013006005055071126098120009097095055066031061002126123115122086082079042016010110002082106099019126065124068101121100084068071023007116086100124101069027022&EXT=pdf>.
- ___ Bebchuk, L. , Cremers, M. and Peyer, U. (2011). "The CEO pay slice". *Journal of Financial Economics*, 102 (1), 199-221.
- ___ Chaney, P. K. , Jeter, D. C. and Shivakumar, L. (2004). "Self-Selection of Auditors and Audit Pricing in Private Firms". *The Accounting Review*, 79(1), 51-72.
- ___ Coles, J. L. , Daniel, N. D. , and Naveen, L. (2014). "Co-opted boards". *Review of Financial Studies*, 27 (6), 1751–1796.
- ___ Cornaggia, K. J. , Krishnan, G. V. , and Wang, C. H. (2017). "Managerial ability and credit rating". *Contemporary Accounting Research*, 34 (4), 2094-2122.
- ___ Daily, C. M. , and Johnson, J. L. (1997). "Sources of CEO power and firm financial performance: A longitudinal assessment". *Journal of Management*, 23, 97-117.
- ___ Dichev, I. D. , Graham, J. R. , Harvey, C. R. , and Rajgopal, S. (2013). "Earnings quality: Evidence from the field". *Journal of Accounting and Economics*, 56 (2-3), 1–33.
- ___ Derouiche, I. , Jaafar, K. and Zemzem, A. (2016). "Firm geographic location and voluntary disclosure". *Journal of Multinational Financial Management*, 37–38, 29-47.
- ___ El Ghoul, S. , Guedhami, O. , Pittman, J. A. and Rizeanu, S. (2016). "Cross-Country Evidence on the Importance of Auditor Choice to Corporate Debt Maturity". *Contemporary Accounting Research*, 33 (2), 718–751.
- ___ Fan, J. P. H. , and Wong, T. J. (2005). "Do external auditors perform a corporate governance role in emerging markets? Evidence from East Asia". *Journal of Accounting Research*, 43(1), 35-72.

- ___ Fast, N. J. , Sivanathan, N. , Mayer, N. D. , and Galinsky, A. D. (2012). "Power and Overconfident Decision-Making". *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 117, 249–260.
- ___ Feng, M. , Ge, W. , Luo, S. , and Shevlin, T. (2011). "Why do CFOs become involved in material accounting manipulations?". *Journal of Accounting and Economics*, 51 (1-2), 21–36.
- ___ Fracassi, C. , and Tate, G. (2012). "External networking and internal firm governance". *Journal of Finance*, 67 (1), 153-194.
- ___ Friedman, H. L. (2016). "Implications of a Multi-Purpose Reporting System on CEO and CFO Incentives and Risk Preferences". *Journal of Management Accounting Research*, 28 (3), 101-132.
- ___ Friedman, H. L. (2014). "Implications of power: When the CEO can pressure the CFO to bias reports". *Journal of Accounting and Economics*, 58 (1), 117–141.
- ___ Galema, R. , Lensink, R. and Mersland, R. (2012). "Do Powerful CEOs Determine Microfinance Performance?". *Journal of Management Studies*, 49 (4), 718 – 742.
- ___ Godfrey, J. M. , and Hamilton, J. (2005). "The Impact of R&D Intensity on Demand for Specialist Auditor Services". *Contemporary Accounting Research*, 22(1), 55-93
- ___ Graham, J. R. , Harvey, C. R. , and Rajgopal, S. (2005). "The Economic Implications of Corporate Financial Reporting". *Journal of Accounting and Economics*, 40, 3–73.
- ___ Grinstein, Y. , and Hribar, P. (2004). "CEO compensation and incentives: Evidence from M&A bonuses". *Journal of Financial Economics*, 73 (1), 119–143.
- ___ Habib, A. and Hasan, M. M. (2017). "Business Strategy, Overvalued Equities, and Stock Price Crash Risk". *Research in International Business and Finance*, 39 (Part A), 389–405.
- ___ Ho, J. L. , and Kang, F. (2013). "Auditor Choice and Audit Fees in Family Firms: Evidence from the S&P 1500". *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, 32(4), 71-93.
- ___ Hutton, A. P. , Marcus, A. J. , and Tehranian, H. (2009). "Opaque financial reports, R2, and crash risk". *Journal of Financial Economics*, 94 (1), 67–86.
- ___ Jin, L. , and Myers, S. C. (2006). "R2 around the world: New theory and new tests". *Journal of Financial Economics*, 79 (2), 257–292.
- ___ Khanna, V. , Kim, E. , and Lu, Y. (2015). "CEO connectedness and corporate fraud". *Journal of Finance*, 70 (3), 1203–1252.
- ___ Kim, J. B. , Li, Y. , and Zhang, L. (2011a). "Corporate tax avoidance and stock price crash risk: Firm-level analysis". *Journal of Financial Economics*, 100 (3), 639–662.
- ___ Kim, J. B. , Li, Y. , and Zhang, L. (2011b). "CFOs versus CEOs: Equity incentives and crashes". *Journal of Financial Economics*, 101 (3), 713–730.

___ Kim, J. B. , Wang, Z. , and Zhang, L. (2016). “CEO overconfidence and stock price crash risk”. *Contemporary Accounting Research*, 33 (4), 1720–1749.

___ Kothari, S. P. , Shu, S. , and Wysocki, P. D. (2009). “Do managers withhold bad news?”. *Journal of Accounting Research*, 47 (1), 241–276.

___ Li, M. , Lu, Y. , and Phillips, G. (2018). “CEO and the product market power: When are powerful CEOs beneficial?”. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, Available at http://faculty.tuck.dartmouth.edu/images/uploads/faculty/gordon-phillips/ceo_power.pdf.

___ Liu, Z. , Ouyang, B. and Sun, X. (2015). “CEO Power and Auditor Choice”. *International Journal of Finance and Banking Studies*, 4 (4), 44-51.

___ Morrison, E. W. , Rothman, N. B. , and Soll, J. B. (2011). “The Detrimental Effects of Power on Confidence, Advice Taking, and Accuracy”. *Organizational Behavior and Human Decision Processes*, 116, 272–285.

___ Morse, A. , Nanda, V. , and Seru, A. (2011). “Are incentive contracts rigged by powerful CEOs?”. *Journal of Finance*, 66 (5), 1779–1821.

___ Valenti, M. A. , Luce, R. , and Mayfield, C. (2011). “The effects of firm performance on corporate governance”. *Management Research Review*, 34 (3), 266-283.

